

خبرها حکایت از آن دارند که میزان خودکشی در کشور، بویژه در میان دختران و زنان، به شدت رو به افزایش است. با اینکه تنها شمار اندکی از موارد خودکشی در رسانه‌ها منعکس می‌شود، نگاهی گذرا به گزیده‌ای از خبرهای منتشر شده در یکی دو ماه گذشته، ابعاد نگران‌کننده این روند صعودی را روشن می‌سازد:

۱- دختری پانزده ساله بنام مهتاب که در یک جوجه‌کشی در نقده کار می‌کرد، به علت آسیب روحی ناشی از تجاوز کارفرما، خودسوزی کرد و جان سپرد. پیشتر نیز

بیندازد، با دخالت یک سرباز نجات یافت (فارس نیوز، ۵ تیر)

۴- دانشجوی دختر دانشگاه آزاد لاهیجان که به دلیل نامشخصی به اتاق حراست دانشکده فنی مراجعه کرده بود، بعد از دقایقی خود را از پنجره به پایین انداخت و به زندگی خود پایان داد.

یک دانشجوی دختر نیز در دانشگاه سیستان و بلوچستان با خوردن قرص خودکشی کرد. او از سوی کمیته انضباطی و حراست دانشگاه تحت فشار بود. (خبرنامه امیرکبیر، ادوار نیوز به نقل از اعتماد، ۲ تیر)

زندگی اش پایان داد. او دو فرزند داشت. (اعتماد، ۳۱ اردیبهشت)

۸- دختری ۲۵ ساله از بالای پلی در شهر سامان خود را در زاینده رود انداخت و جان داد. (ایسنا، ۱۷ اردیبهشت)

این فهرست پایانی ندارد و هر روز بر شمار خودکشی‌ها افزوده می‌شود. در بیشتر خبرها می‌توان زمینه‌ها و علت خودکشی را نیز یافت:

در خبر نخست، تنگنای اقتصادی علت اصلی افزایش آسیب‌پذیری دو دختر و یک زن بوده و زمینه ساز خودکشی شده است. مهتاب و

افزایش خودکشی در بین دختران در ایران

نویسنده: فرزاد زورک

گلاویز هر دو همراه با اعضای خانواده برای کارفرمایی کار می‌کردند که به بهره‌کشی از آنها بسنده نکرده، بلکه تن و روح این دو دختر نوجوان را نیز مایملک خود می‌پنداشتند.

از یک سو نابسامانی‌های روزافزون اقتصادی (که مسئول آن دولت است) زنان و دختران را در نبود فرصت‌های شغلی مناسب به دام چنین زالوهای می‌فرستد، و از سوی دیگر فقدان یک نظام قانونی و حقوقی برای حمایت از کارگران روزمزد و قراردادی به بسیاری از کارفرمایان فرصت تعرض می‌دهد. در چنین شرایطی یک کارگر بیش از آنکه نگران حقوق اولیه و انسانی خود باشد، نگران بیکار شدن و گرسنه ماندن خانواده خود است.

۵- خشونت و تجاوز از سوی چهار مرد، باعث خودکشی دختری بنام لیدا شد. لیدا بخاطر اعتیاد مجبور به سکونت در خانه‌ی مردی شده بود که با دوستان اش او را آزار می‌داد. (اعتماد، ۲۳ خرداد)

۶- تحقیقات پیرامون خودکشی دختری نوزده ساله بنام لعیاء، روشن ساخت که او هنگام گردش با دوست پسرش در حومه تهران، توسط چهار مرد دزدیده و مورد تجاوز قرار گرفته و سپس او و دوست پسرش را لخت کرده از آنها عکس گرفته بودند. (اعتماد، ۳۰ اردیبهشت)

۷- زنی که پس از دو سال نتوانسته بود حکم طلاق خود را بگیرد، در پی پیامک‌های تهدیدآمیز شوهرش، با خوردن سم، به

دختری نوزده ساله به نام گلاویز در نتیجه تجاوز صاحب کوره پز خانه‌ای در همدان، خودسوزی کرد و درگذشت. همچنین مادری دارای دو فرزند، به علت فقر با دارو جان خود را گرفت. او پیشتر یک بار از خودکشی نجات یافته بود، اما مسئولین به او کمکی نکردند. (مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ۱۸ تیر - انجمن حق زنان، ۲۷ خرداد)

۲- راز خودکشی دانشجویی به نام مونا با دستگیری دو پسر که او را اغفال و به او تجاوز کرده بودند، برملاشد. پسرها با تصویربرداری از تجاوز به مونا به قصد اخاذی و کامجویی او را تحت فشار قرار داده بودند. (اعتماد، ۸ تیر)

۳- دختر شانزده ساله‌ای که قصد داشت خود را از یک پل عابر در خیابان قزوین پایین

در دانشگاه‌ها فقط برای سرکوب سیاسی و تجسس آنجا نیستند؛ بلکه بسیاری از آنها با استفاده از قدرت نامشروع خود، برای دختران پرونده سازی می‌کنند تا آنها را با هدف تعرض جنسی زیر فشار بگذارند. ترس دختران از افشای روابط احتمالی با جنس مخالف و نگرانی از اخراج و محرومیت تحصیلی، آنان را در تنگناهای دشوار قرار می‌دهد.

برخی استادان و مدیران دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها نیز از قدرتی که در تعیین سرنوشت تحصیلی دانشجویان دختر دارند سوء استفاده می‌کنند تا زمینه تعرض جنسی را فراهم سازند. ماجرای تعرض معاون دانشگاه زنجان به یک دختر دانشجوی، نمونه‌ای افشاء شده از این موارد است. نخستین نهادی که دختران در چنین مواقعی برای شکایت باید به آن رجوع کنند، همان دفتر حراست دانشگاه است. اما سوابق منفی این نهاد اطلاعاتی باعث می‌شود تا کمتر دانشجویی، آن هم دختر، به حراستی‌ها اعتماد کند.

روشن است که افزایش فشارها و سخت‌گیری‌های سازماندهی شده نسبت به جوانان و بویژه دختران، هنگامی که با فساد و سوء استفاده از قدرت همراه می‌شود، دختران را بارها بیش از پسران در معرض آسیب‌های جنسیتی و روحی قرار می‌دهد. مردسالاری حاکم بر کشور و فروپاشی اخلاقی از دلایل اصلی رشد نگران‌کننده آسیب‌پذیری و خودکشی در میان دختران و زنان اند. به گفته یک مقام آگاه در وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در سال‌های اخیر دختران دانشجوی سه برابر بیش از پسران دانشجوی اقدام به خودکشی کرده‌اند. تشکیل شوراهای پشتیبان دانشجویی، بخصوص از سوی دختران، شاید بتواند در این شرایط بحرانی گامی در جهت کاهش تعرضات و خودکشی‌ها باشد.



اسلامی که شهادت یک زن را با شهادت یک مرد برابر نمی‌داند، چطور یک دختر کارگر می‌تواند به قضات اسلامی ثابت کند که مردی متمول با ظاهری موجه، به او تجاوز کرده است؟ وبگاه «انجمن حق زنان» نوشته است که مرد تجاوزکننده به گلاویز همچنان آزاد است. رد پای عوامل فشارزای حکومتی را در خبر چهارم نیز می‌توان یافت. دودختر دانشجویی، یکی در لاهیجان، دیگری در سیستان و بلوچستان در شرایطی خودکشی کرده‌اند که هر دوی آنها از سوی مسئولان حراست دانشگاه‌های خود تحت فشار بوده‌اند. خبر این خودکشی‌ها در کنار اخبار تجاوز و تعرض مسئولان حراست به دختران دانشجوی (در کرمانشاه و آذربایجان شرقی) روشن می‌سازد که نمایندگان اطلاعات

آسیب‌پذیری دختران و زنان ایرانی زمانی به نهایت خود می‌رسد که سنت‌های زن‌ستیزانه و تابوهای متحجرانه نیز به دیگر تنگناها اضافه می‌شود. به احتمال زیاد مهتاب و گلاویز شرم داشتند درباره تعرض جنسی کارفرما با والدین و نزدیکان خود صحبت کنند. به همین دلیل فشار روحی ناشی از آسیب وارده را به تنهایی باید تحمل می‌کردند. از سوی دیگر، شرافت ذاتی شان نمی‌گذاشت در موقعیتی باقی بمانند که دوباره ناچار شوند تن به توحش کارفرما بدهند. در نتیجه به بن بست رسیده و با سوزاندن خود، جامعه را خطاب قرار دادند. درست در چنین بن بست‌هایی است که نهادهای مردمی و دولتی و نظام حقوقی باید به کمک شهروندان بیایند. اما در برابر قوانین

زنان توسط حکومت ممنوع و تضعیف شده اند. از سوی دیگر دولتمردان با گسترش سرکوب، توحش و زن ستیزی، زمینه ساز اصلی این خودکشی ها بوده اند. در چنین شرایطی تنها دریچه امید، بازسازی جنبش های مردمی است تا سنت های متحجرانه و زن ستیزانه را به چالش بکشند و با ترویج راهکارهای انسانی، زنان و دختران بحران زده را در بازیابی امنیت روحی و جنسی خود یاری دهند.

این مقاله اول بار در در shahrzadnews.org منتشر شده است.

**با خواندن عاشقانه و حمایت آن،
زبان فارسی را پاس بدارید.**

جای پذیرش حقوق عاطفی و جنسی دختران و فراهم ساختن فضایی امن، در عمل محیط را ناامن کرده و آنها را به ورطه خطرهای آشکار و پنهان می فرستند.

از دست دادن آنچه بکارت خوانده می شود، بارداری ناخواسته، آزارهای خانگی، محدودیت های شدید و شکست های عشقی و تحصیلی از دیگر عواملی هستند که دختران ایرانی را در ناتوانی و انزوای کشنده گرفتار می کنند و گاه باعث خودکشی آنان می شوند.

پیام خودکشی و خودسوزی این دختران و زنان تکان دهنده و نافذ است. اما تاکنون واکنش فراگیری را در پی نداشته است. آنان که به چاره می اندیشند، توان اجرایی ندارند. نهادها و رسانه های مستقل و مردمی و جنبش های

در خبر دوم، پنجم و ششم، مردان با اعمال خشونت فیزیکی به دختران تجاوز کرده اند و باعث خودکشی آنان شده اند. وحشت دختران قربانی از انتشار تصاویرشان در جریان تجاوز یا آمیزش جنسی، از آنان طعمه ای بی دفاع برای اخاذی و تعرض ساخته است. در واقع جامعه و نظام قضایی با ایجاد وحشت در دختران، زمینه ساز پیدایش این شیوهی جرم شده اند. دختران حتا در موقعیت یک قربانی، گناهکار یا بی ابرو فرض می شوند و توان و جسارت دادخواهی از آنها گرفته می شود. بطور کلی پنهانکاری ناگزیر در روابط عاشقانه و جنسی، دختران را در خطر تجاوز قرار می دهد. دختران بسیار بیش از پسرها ناچارند زندگی عشقی و جنسی خود را به خارج از محدوده های امن ببرند. خانواده ها، جامعه و مجریان قانون به



Alfred Valdez



ATTORNEYS AT LAW



Aram Sadeghi

- Family
- Divorce
- Criminal
- Business Litigation
- Mediation
- Business Registration
- امور خانوادگی
- طلاق
- جنایی
- اختلافات تجاری
- مدییشن
- تأسیس شرکت

Tel: **713-206-1920**
713-899-6926

- Family/Work related Green Card
- H-1B
- Citizenship
- Asylum
- Deportation
- Immigration Court
- Court Appeal

- گرین کارت از طریق کار، خانواده و سرمایه گذاری
- تابعیت
- پناهندگی
- دیپورت
- دادگاه مهاجرت
- تقاضای تجدید نظر

22435 Smokey Hill Dr.
Katy, TX 77450

Fax: **281-395-6418**
713-370-8134

Email: sadeghilawfirm@yahoo.com

Not certified by the Texas Board of Legal Specialization.